

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فضيلت لا حول و لا قوة الا بالله

مؤلف: يوسف بن إبراهيم الساجر

ترجمه: پدram اندايش

نام کتاب: فضیلت لا حول و لا قوة الا بالله

مؤلف: یوسف بن ابراهیم الساجر

مترجم: پدرام اندایش

ناشر: بوکان - انتشارات

نوبت چاپ: اول - پاییز ۱۳۹۶

چاپ: بوکان - رامان

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ریال

کلیه حقوق چاپ و نشر برای مؤلف محفوظ است.

برادر و خواهر مسلمان...

حق چاپ برای هر مسلمان مرد و زنی محفوظ است و از نشر کتابم به هر وسیله‌ای منع نمی‌کنم، چه در چاپخانه چاپ شود یا توسط موسسات یا شرکتها یا ادارات دولتی یا صفحات اینترنت... الخ، ولی دو شرط دارد:

۱- کسی به این کتاب چیزی زیاد نکند و کم ننماید مگر آن که مسأله‌ای خلاف قرآن و سنت و هدایت سلف صالح در آن بیابد که در آن صورت کم و زیاد کردن مشکلی ندارد.

۲- برای من و پدر و مادرم از الله تعالی طلب آمرزش

نماید.

الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾ (سورة الإسراء [۳۴]) (و به عهد وفا نمایند که عهد چیزی سوال شدنی است).

الله تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا﴾ (سورة النساء [۳۳]) (الله بر هر چیزی شاهد است).

مقدمه:

شکر و ستایش برای الله است، او را حمد می‌گوییم و از او کمک می‌طلبیم و از او طلب آمرزش می‌نماییم. به الله تعالی پناه می‌بریم از شرّهای ذاتیمان و از بدی‌های اعمالمان. کسی را که الله تعالی هدایت کند، گمراه کننده‌ای ندارد و کسی را که گمراه سازد، هدایت کننده‌ای ندارد. شهادت می‌دهم که معبود و پرستش شونده‌ی برحقّی جز الله وجود ندارد و یکتا و بی‌شریک است و شهادت می‌دهم که محمد بنده و فرستاده‌ی وی می‌باشد. اما بعد:

برادر و خواهر مسلمان!

کتابی با صفحاتی کم را به شما تقدیم می‌کنم، تا خواننده دچار سختی نشود. در آن، آنچه از فضیلت: «لا حول و لا قوة الا بالله» (هیچ دگرگونی و توانی وجود ندارد مگر توسط الله) را بیان نموده‌ام و آن گنجی از گنجهای بهشت است و دربی از دریهای آن می‌باشد و نهالی از نهالهای آنجا است.

او را به این نام نهادم: «تذکیر عباد الله بفضل لا حول ولا قوۃ إلا بالله» (متذکر شدن بندگان الله به فضیلت لا حول و لا قوۃ الا بالله).

تا عمل نمودن به این سخن الله تعالی باشد: ﴿وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (الذاریات [۵۵]) (و متذکر شو! که تذکر به مؤمنان منفعت می‌رساند).

در کتابم احادیث صحیح را از بهترین بشر، پیامبر ما، محمد ﷺ صلی الله علیه و آله و صحبه و سلم آورده‌ام.

از الله تعالی طلب می‌نمایم که این کتاب را خالص برای صورت گرامی‌اش بفرماید.

این کوشش من برای تهیه این کتاب می‌باشد، اگر توفیق یابم از بخشش الله تعالی و کرمش و منت او بر من است و اگر اتفاق دیگری بیافتد از خودم و از طرف شیطان است، از الله طلب آمرزش می‌نمایم که هیچ معبود بر حق جز او وجود ندارد و او زنده و برپا دارنده است و به سوی وی توبه می‌-

نمایم. از الله تعالی طلب می‌نمایم که اجر این کتاب را در زندگی و بعد از مرگ برایم حرام نفرماید و آخر دعوت ما، شکر و ستایش برای پروردگار جهانیان است.

فضیلت لا حول و لا قوة إلا بالله

۱- سفارش پیامبرمان ﷺ به زیاد گفتن: «لا حول و لا قوة الا بالله»:

أ - ابوهیره رضی الله عنه آورده است که پیامبر ﷺ فرمود: «أَكْثَرُوا مِنْ قَوْلٍ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، فَإِنَّهَا مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ» (زیاد لا حول و لا قوة الا بالله بگویید که آن از گنجهای بهشت است). صححه الألبانی فی صحیح الجامع رقم [۱۲۱۴].

ب - ابوذر رضی الله عنه گفته است: خلیل^۱ من، مرا به هفت چیز سفارش فرمود: «دوست داشتن فقیران و این که به آنها نزدیک شوم و این که به پایین‌تر از خود نگاه کنم و به بالاتر از خود نگاه نکنم و این که صله‌ی رحم بجا بیاورم، حتی اگر به من

^۱ - خلیل بالاترین درجه‌ی دوستی در زبان عرب می‌باشد. (مترجم)

ستم نمودند و این که بسیار بگویم: «لا حول ولا قوة إلا بالله» و این که حق را بگویم، حتی اگر تلخ بود و این که در راه الله از سرزنش هیچ سرزنش کننده‌ای نترسم و این که از مردم هیچ چیز را طلب ننمایم». رواه أحمد والطبرانی وصححه الألبانی فی الترغیب والترهیب رقم [۸۱۱].

ج- حازم بن حرملة أسلمی ﷺ گفته است: از نزد پیامبر ﷺ گذشتم و به من فرمود: «يَا حَازِمُ أَكْثَرُ مِنْ قَوْلٍ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ» (ای حازم! بسیار لا حول و لا قوة الا بالله بگو که آن از گنجهای بهشت است). صحیح ابن ماجه وصححه الألبانی فی صحیح الجامع رقم [۷۹۰۷].

۲- خبر دادن ابراهیم عليه السلام به پیامبر ما محمد صلوات الله وسلامه عليهم أجمعين، درباره‌ی فضیلت «لا حول و لا قوة إلا بالله»:

أ- ابن مسعود رضي الله عنه آورده است که رسول الله ﷺ فرمود:

شب اسراء ابراهيم عليه السلام را دیدم و به من گفتم: ای محمد سلام مرا به امت برسان و به آنها خبر بده که بهشت دارای خاک پاک [و] آب گوارا است و آن زمین صافی است و نهالهای آن، «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله أكبر» (پاک و منزّه است الله و شکر و ستایش برای الله است و هیچ پرستش شنونده‌ی بر حقّی جز الله وجود ندارد و الله بزرگترین است). رواه الترمذی والطبرانی فی الصغیر والأوسط و به آن اضافه نموده است: «ولا حول ولا قوة إلا بالله» وحسنه الألبانی فی الترغیب والترهیب رقم [۱۵۵۰].

۳- «لا حول و لا قوة إلا بالله» سخنی از زیر عرش و گنجی از گنجهای بهشت است:

ابوهریره رضی الله عنه آورده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «أَلَا أَعْلَمُکَ - أَوْ قَالَ - أَلَا أَدُلُّکَ عَلَى کَلِمَةٍ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ مِنْ کَنْزِ الْجَنَّةِ؟ تَقُولُ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ ، فَيَقُولُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ : أَسْلَمَ عَبْدِي وَاسْتَسْلَمَ» (آیا به تو پیاموزم - یا فرمود: - آیا

تو را به سخنی از زیر عرش که گنجی از بهشت است، راهنمایی کنم؟ این است که بگویی: لا حول و لا قوة الا بالله و الله عز وجل می فرماید: بنده من اسلام آورد و تسلیم شد). رواه الحاكم (۲۱/۱) بسند صحیح. وصحه الألبانی فی صحیح الجامع رقم [۲۶۱۴].

۴- لا حول ولا قوة الا بالله دربی از درهای بهشت است:

أ- معاذ بن جبل رضی الله عنه آورده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ» (آیا تو را به دربی از درهای بهشت راهنمایی کنم؟) گفت: آن چیست؟ فرمود: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ». رواه أحمد والطبرانی وصحه الألبانی فی الترغیب والترهیب رقم [۱۵۸۱].

ب- قیس بن سعد بن عباده رضی الله عنه از پدرش که به پیامبر صلی الله علیه و آله خدمت می نمود، آورده است: نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفتم و دو رکعت نماز خواندم، با پایاش به من زد و فرمود: «أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى بَابٍ

مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ» (آیا تو را به دربی از درهای بهشت راهنمایی نکنم) گفتم: بله، فرمود: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ [گفتن است]». رواه الحاكم وقال صحيح على شرطهما وصححه الألبانی فی الترغیب والترهیب رقم [۱۵۸۲].

۵- «لا حول و لا قوة إلا بالله» گنجی از گنجهای

بهشت است:

أ- ابو موسی رضی الله عنه آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «قُلْ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ فَإِنَّهَا كَنْزٌ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ» (بگو: لا حول و لا قوة الا بالله که آن گنجی از گنجهای بهشت است). رواه البخاری (بخارایی) ومسلم وأبو داود والترمذی والنسائی وابن ماجه.

ب- ابوذر رضی الله عنه گفته است: پشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله راه می رفتم که به من فرمود: «يَا أَبَا ذَرٍّ أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى كَنْزٍ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ» (ای ابوذر آیا تو را به گنجی از گنجهای بهشت راهنمایی نکنم؟) گفتم: بله، فرمود: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» رواه ابن

ماجه وابن أبی الدنيا وابن حبان فی صحیحہ وصححه الألبانی
فی الترغیب والترہیب رقم [۱۵۸۵].

ج- رسول الله ﷺ فرموده است: «يَا عَبْدَ اللَّهِ بْنَ قَيْسٍ أَلَا
أَعْلَمُكَ كَلِمَةً هِيَ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» (ای
عبدالله بن قیس! آیا سخنی را به تو بیاموزم که از گنجهای
بهشت می باشد؟ [آن] لا حول و لا قوة الا بالله است). رواه
الإمام أحمد وصححه الألبانی فی صحیح الجامع رقم [۷۹۴۴].

د- ابو ایوب رضی الله عنه آورده است که رسول الله ﷺ فرمود:
«أَكْثَرُ مَنْ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ كُنْزِ الْجَنَّةِ» (بسیار
لا حول و لا قوة الا بالله بگو که آن از گنجهای بهشت است).
رواه الطبرانی وابن حبان وصححه الألبانی فی صحیح الجامع
رقم [۱۲۰۵].

۶- لا حول ولا قوة إلا بالله نهالی از نهالهای بهشت
است:

أ- ابو ایوب انصاری رضی الله عنه گفته است: رسول الله ﷺ شب

اسراء از نزد ابراهيم عليه الصلاة و السلام گذشت و ابراهيم عليه السلام گفت: ای جبرئیل چه کسی همراه توست؟ گفت: این محمد است و ابراهيم عليه الصلاة و السلام به او [ﷺ] گفت: ای محمد! به نزد امت برو تا نهالهای بهشت خود را زیاد کنند، زیرا خاک آنجا پاک است و سرزمین آن وسیع است، فرمود: «وَمَا غَرَّاسُ الْجَنَّةِ» (و نهالهای بهشت چه هستند؟) گفت: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ». رواه أحمد یاسناد حسن وابن ابی الدنيا وابن حبان فی صحیحه وصححه الألبانی فی الترغیب والترهیب رقم [۱۵۸۳].

ب- ابن عمر رضی الله عنهما آورده است که رسول الله ﷺ فرمود: «أَكْثَرُوا مِنْ غَرْسِ الْجَنَّةِ، فَإِنَّهُ عَذْبٌ مَأْوَاهَا طِيبٌ تُرَابُهَا، فَأَكْثَرُوا مِنْ غَرَّاسِهَا» (نهالهای بهشت [خود] را زیاد کنید! زیرا آب آن گوارا است [و] خاک آن پاک می باشد، پس نهالهای آن را زیاد کنید!) گفتند: ای رسول الله! نهالهای آن چیست؟ فرمود: «ما شاء الله لا حول ولا قوة إلا بالله» (آنچه

الله خواسته است، هیچ دگرگونی و توانی نیست، مگر توسط
الله). رواه ابن ابی الدنيا فی الذکر والطبرانی وحسنه الألبانی فی
الترغیب والترہیب رقم [۱۵۸۴].

۷- «لا حول ولا قوة إلا بالله» از باقیات صالحات

(اعمال صالحی که باقی می ماند) است:

- ابوهریره رضی اللہ عنہ آورده است که رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم فرمود:

«خُذُوا جُنُتَكُمْ» (سپرهای خود را بردارید)، گفتند: ای رسول
الله! آیا دشمن آمده است؟ فرمود: «لا، وَلَكِنْ مِنَ النَّارِ، قُولُوا:
سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، فَإِنَّهُمْ
يَأْتِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُجَنَّبَاتٍ وَمُعْقَبَاتٍ، وَهُنَّ الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ»
(خیر، بلکه [سپرهایی که شما] را از آتش جهنم [حفظ می -

کند]، بگویید: پاک و منزّه است الله و شکر و ستایش برای الله
است و هیچ معبود بر حقّی جز الله وجود ندارد و الله بزرگترین
است، آنان در حالی در روز قیامت می آیند که مقدمات
آمدنتان را و پس از شما را فراهم می سازند و آنها باقیات

صالحات هستند). رواه النسائی و این لفظ از اوست و الحاکم و البیهقی و قال الحاکم صحیح علی شرط مسلم؛ جنتکم با ضمه الجیم و تشدید نون به معنای چیزی است که شما را می پوشاند و حفظ می کند، و منجیات با فتح نون به معنای مقدمات پیش روی شماست؛ در روایت الحاکم منجیات با جلو افتادن نون بر جیم آمده است؛ این چنین است که طبرانی آن را در «الأوسط» روایت کرده است و اضافه نموده است: «ولا حول ولا قوة إلا بالله».

در «الصغیر» آن را از ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است و بین دو لفظ جمع کرده است و گفته است: «و منجیات و منجیات» و اسناد آن بسیار قوی است؛ معقبات با کسره ی قاف دارای تشدید به معنای آن چیزی است که از پشت سر شما می آید. حسنه الألبانی فی الترغیب والترہیب رقم [۱۵۶۷].

۸- «لا حول ولا قوة إلا بالله» دو دست را پُر از خیر

می نماید:

- ابن ابی اوفی رضی الله عنه گفته است: بادیه‌نشین گفت: ای رسول الله! من به سوی قرآن رفتم ولی نتوانستم آن را بخوانم، چیزی را به من یاد بده که پاداش قرآن به آن داده شود، فرمود: «قُلْ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» (بگو: پاک و منزّه است الله و شکر و ستایش برای الله است و هیچ معبود و پرستش شونده‌ی برحق جز الله وجود ندارد و الله بزرگترین است) آنها را گفت و با انگشتانش آنها را شمرد و گفت: ای رسول الله! این برای پروردگارم است، پس برای من چه باشد؟ فرمود: «تَقُولُ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ، وَارْحَمْنِي ، وَعَافِنِي ، وَارْزُقْنِي» (می‌گویی یا الله! مرا بیامرز! و رحمت کن! و عافیت بده! و روزی بده!) و پنداشتم که فرمود: «وَأَهْدِنِي» (و هدایت کن!)، آن بادیه‌نشین رفت و رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «ذَهَبَ الْأَعْرَابِيُّ وَقَدْ مَلَأَ يَدِيهِ خَيْرًا» (بادیه‌نشین رفت در حالی که دو دستش از خیر پُر شد) رواه ابن ابی دنیا از حجاج بن أرقطاه از إبراهيم السكسکی روایت کرده است و بیهقی آن

را به طور مختصر آورده است و به آن اضافه نموده است:
 «ولا حول ولا قوة إلا بالله» حسنه الألبانی فی الترغیب
 والترہیب رقم [۱۵۶۱].

۹- کسی که بگوید: «لا حول ولا قوة الا بالله»، الله تعالى می فرماید: «لا حول ولا قوة الا بی» (هیچ قدرت و توانی نیست مگر از جانب من).

أ- ابوسعید و ابوهریرہ رضی اللہ عنہما آورده اند کہ
 رسول اللہ ﷺ فرمود: «مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ. صَدَقَهُ
 رَبُّهُ فَقَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَأَنَا أَكْبَرُ. وَإِذَا قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ.
 قَالَ يَقُولُ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَأَنَا وَحْدِي. وَإِذَا قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
 وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ. قَالَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَحْدِي لَا شَرِيكَ لِي.
 وَإِذَا قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ. قَالَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا
 أَنَا لِي الْمُلْكُ وَلِي الْحَمْدُ. وَإِذَا قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا
 قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. قَالَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِي.
 وَكَانَ يَقُولُ مَنْ قَالَهَا فِي مَرَضِهِ ثُمَّ مَاتَ لَمْ تَطْعَمَهُ النَّارُ» (کسی

که بگوید: هیچ معبود بر حقى جز الله وجود نداشته و الله بزرگترین است. پروردگارش او را تصدیق نموده و می‌فرماید: هیچ معبود بر حقى جز من نیست و من بزرگترین هستم، وقتی می‌گوید: هیچ معبودى جز الله وجود نداشته و یگانه است، الله می‌فرماید: هیچ معبودى جز من نیست و من یگانه هستم. وقتی می‌گوید: هیچ معبود بر حقى جز الله وجود نداشته، یگانه و بی‌شریک است. الله می‌فرماید: هیچ معبود بر حقى جز من وجود نداشته و یگانه و بی‌شریکم. وقتی می‌گوید: هیچ معبود بر حقى جز الله وجود نداشته، برای او پادشاهی و شکر و ستایش است، الله می‌فرماید: هیچ معبودى جز من وجود نداشته، پادشاهی برای من است و شکر و ستایش برای من می‌باشد. وقتی می‌گوید: هیچ معبود بر حقى جز الله وجود نداشته و هیچ دگرگونی و قدرتی نیست مگر از طرف الله، الله می‌فرماید: هیچ معبود بر حقى جز من وجود نداشته و هیچ دگرگونی و قدرتی نیست مگر از طرف من. کسی که آن را

هنگام مرضش بگوید، سپس بمیرد، آتش جهنم او را نمی-
بلعد). رواه الترمذی وقال حدیث حسن وابن ماجه و النسائی و
ابن حبان فی صحیحہ و الحاکم و صححه الألبانی فی الترغیب
والترهیب رقم [۳۴۸۱].

ب- ابوسعید و أبوهریره رضی الله عنهما گواهی داده‌اند
که رسول الله ﷺ فرموده است: «إِذَا قَالَ الْعَبْدُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ
أَكْبَرُ قَالَ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ صَدَقَ عَبْدِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَأَنَا أَكْبَرُ
وَإِذَا قَالَ الْعَبْدُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ قَالَ صَدَقَ عَبْدِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا
وَحْدِي وَإِذَا قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ قَالَ صَدَقَ عَبْدِي لَا
إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَلَا شَرِيكَ لِي وَإِذَا قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ
الْحَمْدُ قَالَ صَدَقَ عَبْدِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا لِي الْمُلْكُ وَلِي الْحَمْدُ وَإِذَا
قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ قَالَ صَدَقَ عَبْدِي لَا
إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِي. مَنْ رَزَقَهُنَّ عِنْدَ مَوْتِهِ لَمْ
تَمْسَهُ النَّارُ» (وقتی بنده بگوید: هیچ معبود بر حقى جز الله
وجود ندارد و الله بزرگترین است، الله عَزَّ وَجَلَّ می‌فرماید: بنده‌ی من

راست گفت: هیچ معبود بر حقى جز من نیست و من بزرگترین هستم؛ وقتی بنده می‌گوید: هیچ معبود برحقى جز الله وجود ندارد و یکتاست، [الله تعالى] می‌فرماید: بنده‌ی من راست گفت، هیچ معبود بر حقى جز من نیست و یکتا هستم؛ وقتی می‌گوید: هیچ معبود برحقى جز الله وجود ندارد و بی‌شریک است، می‌فرماید: بنده‌ی من راست گفت، هیچ معبود بر حقى جز من نیست و شریکی ندارم؛ وقتی می‌گوید: هیچ معبود بر حقى جز الله وجود ندارد و پادشاهی و شکر و ستایش برای اوست، می‌فرماید: بنده‌ی من راست گفت: هیچ معبود بر حقى وجود ندارد و پادشاهی برای من است و شکر و ستایش برای من است؛ وقتی بنده می‌گوید: هیچ معبود بر حقى جز الله وجود ندارد و هیچ دگرگونی و قدرتی وجود ندارد مگر از جانب الله، می‌فرماید: هیچ معبود بر حقى جز من وجود ندارد و هیچ دگرگونی و قدرتی وجود ندارد مگر توسط من؛ کسی که این سخنان به هنگام مرگ به او روزی داده شود، آتش

جهنم به وی نمی‌رسد). رواه الترمذی و قال حدیث حسن و ابن ماجه و نسائی و ابن حبان فی صحیحه و حاکم و صححه الألبانی فی صحیح الجامع رقم [۷۱۳].

۱۰- گفتن «لا حول و لا قوة إلا بالله» از سبب‌های آمرزش است:

- در روایتی نسائی از ابوهریره رضی الله عنه آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «من قال لا إله إلا الله والله أكبر لا إله إلا الله وحده لا إله إلا الله ولا شريك له لا إله إلا الله له الملك وله الحمد لا إله إلا الله ولا حول ولا قوة إلا بالله» (کسی که بگوید: هیچ معبود بر حقی جز الله وجود ندارد و الله بزرگترین است، هیچ معبود بر حقی جز الله وجود ندارد [و] یکتا است، هیچ معبود بر حقی جز الله وجود ندارد و بی‌شریک است، هیچ معبود بر حقی جز الله وجود ندارد، پادشاهی برای اوست و شکر و ستایش برای اوست، هیچ معبود بر حقی جز الله وجود ندارد و هیچ دگرگونی و قدرتی وجود ندارد مگر توسط الله) و

آن پنج مورد را با انگشتانش شمرد، سپس فرمود: «من قالهن فی يوم أو فی لیلة أو فی شهر ثم مات فی ذلك اليوم أو فی تلك الليلة أو فی ذلك الشهر غفر له ذنبه» (کسی که آنها را در روزی یا در شبی یا در ماهی بگوید، سپس در آن روز یا آن شب یا آن ماه بمیرد، گناهانش آمرزیده می شود). صححه الألبانی فی الترغیب والترهیب رقم [۳۴۸۱].

۱۱- «لا حول ولا قوة إلا بالله» هنگام شنیدن دو «حی

علی» در اذان گفته می شود:

- عمر رضی الله عنه آورده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «إِذَا قَالَ الْمُؤَذِّنُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ. فَقَالَ أَحَدُكُمْ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ. ثُمَّ قَالَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. قَالَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ثُمَّ قَالَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ. قَالَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ. ثُمَّ قَالَ حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ. قَالَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. ثُمَّ قَالَ حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ. قَالَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. ثُمَّ قَالَ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ. قَالَ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ. ثُمَّ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ.

مِنْ قَلْبِهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ» (اگر مؤذن بگوید: الله اكبر(الله بزرگترین است) الله اكبر(الله بزرگترین است) و یکی از شما بگوید: الله اكبر الله اكبر، سپس [مؤذن] بگوید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ(گواهی می‌دهم که پرستش شونده‌ی برحقى جز الله وجود ندارد) [و آن شخص] بگوید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، سپس [مؤذن] بگوید: أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ(گواهی می‌دهم که محمد فرستاده‌ی الله است) [و آن شخص] بگوید: أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، سپس [مؤذن] بگوید: حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ(بشتابید به سوى نماز) [و آن شخص] بگوید: لا حول و لا قوة الا بالله، سپس [مؤذن] بگوید: حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ(بشتابید به سوى رستگاری) [و آن شخص] بگوید: لا حول و لا قوة الا بالله، سپس [مؤذن] بگوید: الله اكبر(الله بزرگترین است) الله اكبر(الله بزرگترین است) [و آن شخص] بگوید: الله اكبر الله اكبر، سپس [مؤذن] بگوید: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ(هیچ معبود برحقى جز الله وجود ندارد)، [و آن شخص] بگوید: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ،

[اگر این گفته‌ها را] با قلبش بگوید، داخل بهشت می‌شود).
رواه مسلم و أبو داود و صححه الألبانی فی صحیح الجامع
رقم [۷۱۴].

۱۲- گفتن «لا إله إلا الله والله أكبر ولا حول ولا قوة إلا بالله»
باعث پاک شدن خطاها می‌شود:

- عبد الله بن عمرو رضی الله عنهما آورده است که رسول
الله ﷺ فرمود: «مَا عَلَى الْأَرْضِ أَحَدٌ يَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ
أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِلَّا كُفِّرَتْ عَنْهُ خَطَايَاهُ وَلَوْ كَانَتْ
مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ» (بر روی زمین کسی نیست که بگوید: لا اله الا
الله و الله اكبر و لا حول و لا قوة الا بالله، مگر آن که خطاهای
او پاک می‌شود، حتی اگر به اندازه‌ی کف دریا باشد). رواه
نسائی و الترمذی و لفظ اوست و گفته است: حدیث حسن و
شعبه این حدیث را از ابو بلج با این اسناد آورده است و آن را
مرفوع نکرده است و ابن أبی الدنيا والحاكم آن را روایت
کرده‌اند و افزوده‌اند: «وسبحان الله والحمد لله» و حاکم گفته

است: حاتم ثقة است و افزودن او قابل قبول است منظورش از حاتم، حاتم بن ابی صغیره و حسنه الألبانی فی الترغیب والترهیب رقم [۱۵۶۹]. و حسنه فی صحیح الجامع رقم [۵۶۳۶].

۱۳- «لا حول ولا قوة إلا بالله» سخنی است که انسان را از شیطان حفظ می‌کند:

- انس رضی الله عنه آورده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «إِذَا خَرَجَ الرَّجُلُ مِنْ بَيْتِهِ فَقَالَ بِسْمِ اللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. فَيُقَالُ لَهُ: حَسْبُكَ قَدْ هُدِيتَ وَكُفِّيتَ وَوُقِيتَ فَتَتَنَحَّى لَهُ الشَّيَاطِينُ فَيَقُولُ لَهُ شَيْطَانُ آخِرُ كَيْفَ لَكَ بِرَجُلٍ قَدْ هَدَى وَكُفِيَ وَوُقِيَ» (اگر شخصی از خانه‌اش خارج شود و بگوید: به نام الله، توکل کردم بر الله، هیچ دگرگونی و توانی وجود ندارد، مگر از جانب الله. به او گفته می‌شود: برای تو کافی است و هدایت شدی و برای تو کافی خواهد بود و حفظ خواهی شد، شیطان از وی دور می‌شود و شیطان دیگری به آن [شیطان]

می‌گوید: با این مرد چه کار خواهی کرد وقتی هدایت شده است و برای وی [آن ذکر] کافی می‌باشد و [و او به وسیله‌ی آن] حفظ شده است). رواه أبو داوود والنسائی وابن حبان وصححه الألبانی فی صحیح الجامع رقم [۴۴۹].

۱۴- کسی که در شبی بیدار شود:

- عبادۀ بن صامت رضی الله عنه آورده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ تَعَارَّ مِنَ اللَّيْلِ فَقَالَ حِينَ يَسْتَيْقِظُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ بَيِّدَهُ لَخَيْرٌ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي أَوْ دَعَا اسْتَجِيبَ لَهُ فَإِنْ قَامَ فَتَوَضَّأَ ثُمَّ صَلَّى قُبِلَتْ صَلَاتُهُ» (کسی

که شبی را بیدار شود و هنگام بیدار شدن بگوید: هیچ پرستش شونده‌ی بر حق جز الله وجود ندارد، یکتا و بی‌شریک است، پادشاهی برای اوست و شکر و ستایش برای اوست، زنده می‌کند و می‌میراند، خیر در دست اوست و او بر هر چیزی

تواناست، پاک و منزّه است الله و شکر و ستایش برای الله است و هیچ پرستش شونده‌ی بر حقّی جز الله وجود ندارد و الله بزرگترین است و هیچ دگرگونی و قدرتی وجود ندارد، مگر از جانب الله، سپس بگوید: پروردگارا مرا بپارز یا اگر دعایی نماید، برای او استجابت می‌شود و اگر بایستد و وضو بگیرد و نماز بخواند، نمازش قبول می‌شود). إمام أحمد و أبو داود و ترمذی و ابن ماجه روایت کرده‌اند و صححه الألبانی فی الترغیب والترهیب رقم [۶۱۵۶].

۱۵- سخنان اهل علم درباره‌ی شرح «لا حول ولا قوة إلا بالله»:

۱- نووی رحمه الله گفته‌اند: «علماء گفته‌اند: دلیل آن این است که این سخن، همان تسلیم شدن است و [توسط آن] شخص امور را به الله تعالی می‌سپارد و اعتراف به قبول کردن [دین] می‌نماید و این که خالق غیر از او وجود ندارد و امر او را کسی رد نمی‌کند و این که بنده‌ی مالک هیچ چیزی نمی‌شود

[مگر آن که الله متعال بخواهد]. معنای گنج در اینجا: ثوابی است که در بهشت ذخیره می‌شود و آن پاداشی نفیس است، همان گونه که گنج نفیس‌ترین اموال [دنیا] می‌باشد.

۲- ابن رجب رحمه الله گفته است: «معنای آن این است که بنده از حالتی به حالت دیگر تغییر حالت نمی‌دهد و قدرتی برای آن ندارد، مگر به اذن الله تعالی و این سخن عظیمی است و آن گنجی از گنجای بهشت است.

۳- ابن قیم رحمه الله گفته است: «وقتی معلوم است که گنج مال نفیسی است و این امر بر اکثر مردم این پوشیده نیست [و همه آن را می‌دانند، به همین ترتیب] این مقام و منزلت این ذکر است، آن گنجی از گنجهای بهشت است و پیامبر ﷺ [آن را] از گنجی از زیر عرش [به ما] داده است و گوینده‌ی او اسلام آورده و خود را تسلیم کسی نموده است که زمام امور در دست وی است و امر خود را به او می‌سپارد».

همچنین گفته است: «عالم بالا و عالم پایین برای او است، از حالتی به حالت دیگر دگرگون می‌شوند و این تغییر صورت نمی‌پذیرد، مگر با قدرتی که این تغییر با آن صورت می‌گیرد و این تغییر و آن قدرت به ذات الله یکتا باز می‌گردد و تغییر و دگرگونی صورت نمی‌گیرد مگر به اذن و اجازه وی، هر حرکتی در عالم بالا و عالم پایین در این امر وارد می‌شود و هر قدرتی در آن حرکت، مانند حرکت گیاهان و حرکت طبیعت و حرکت حیوانات و حرکت ستارگان و حرکت نفس و قلب [از جانب وی عَزَّوَجَلَّ می‌باشد] و قدرت بر این حرکات، همان حول و تغییر است که حول و قدرتی وجود ندارد مگر از جانب الله».

همچنین گفته است: «این کلمه تأثیر عجیبی بر تحمل مشکلات، تحمل سختی‌ها، به نزد پادشاهان رفتن و بر کسی که ترسانده می‌شود و همچنین سالم ماندن از حوادث روزگار دارد.

وی رحمه الله در زاد المعاد گفته است: این کلمه تأثیری شدید برای دفع بیماری اندوه، غم و ناراحتی دارد. زیرا در آن به طور کامل سپردن امور به الله تعالی می باشد و از این که قدرت و توانی بدون اذن وی وجود داشته باشد، بیزاری جسته می شود و تمامی امر تسلیم او ﷻ می گردد و همراه آن از چیزی ترسی به وجود نمی آید و به طور عمومی با تغییر پیدا کردن حالتی به حالتی دیگر چه در عالم پایین و چه در عالم بالا و قدرت بر آن تغییر فقط توسط الله یکتا صورت می گیرد و تمامی امور به این کلمه بر می گردند.

گفته است: در آن تأثیر عجیبی بر دور کردن شیطان وجود دارد.

۴- شیخ الإسلام ابن تیمیة رحمه الله گفته است: با این عبارت بارهای سنگین حمل می شوند و دردها و مصیبت ها تحمل می شود و به درجات بالا رسیده می شود.

همچنین گفته است: «این سخن، سخن استعانت [و کمک طلبیدن] است و کلمه‌ی استرجاع (انا لله و انا اليه راجعون... گفتن) و طلب بازگشت بهبودی نمی‌باشد و عده‌ی زیادی از مردم آن را هنگام سختی‌ها و برای استرجاع استفاده می‌کنند و آن را از روی بی‌تابی می‌گویند و آن برای طلب صبر نمی‌باشد.



در فاتمه:

یا الله! از تو از اسمهای نیکویت و صفات والایت و رحمت که همه چیز را در بر گرفته است، طلب می‌نمایم، از تو طلب می‌کنم چون تو پروردگار جهانیان هستی، نیک، دائماً رحمت کننده، بسیار آمرزنده و بسیار مهربان هستی، دارای عرشی گرامی می‌باشی، از تو طلب می‌کنم تا از خطاهای من درگذری و گناه مرا بیامرزی و به هر مؤمنی که نیکوکاری از نیکوکاری تو را انجام می‌دهد، پاداش دهی و از تو درخواست

می‌نمایم تا مؤمنان مرد و زن و مسلمانان مرد و زن را
بیمارزی! چه زنده باشند و چه وفات یافته باشند.

یا الله! عمل مرا قبول کن! که تو شنوای دانا هستی...
پروردگارا توفیق بده تا نعمتی را که بر من و بر پدر و مادرم
ارزانی داشته‌ای شکر نمایم و این که عمل صالحی انجام دهم
که تو از آن راضی می‌شوی و فرزندان مرا اصلاح گردان، من
به سوی تو توبه می‌نمایم و من از مسلمانان هستم.

شکر و ستایش برای الله است که اول و آخر می‌باشد و
صلوات بر سرور ما محمد و بر آتش و صحابه‌اش و سلام بر
آنان...

[خاتمه‌ی مترجم: وقتی هیچ اتفاقی نمی‌افتد مگر به اجازه و
اراده‌ی الله تعالی، وقتی آتش نمی‌سوزاند و دندان گرگ پاره
نمی‌کند، مگر به اجازه و اراده‌ی الله تعالی، توکل ما و امید ما و
ترس ما و درخواست ما و دعای ما ... فقط باید از الله تعالی
باشد، چون اوست که همه‌ی کاره‌ی هستی می‌باشد و اتفاقی

نمی‌افتد، مگر به اذن و اراده او. و سلام علی المرسلین و الحمد
لله رب العالمین^۱.

^۱ - این خاتمه توسط مترجم اضافه شده است و امانتی که مؤلف آن را
درخواست نموده است، رعایت شده است. (مترجم)